



انتشار حاصل تحقیق

علی میرفطروس

تاریخچه بابک خرمدین

تحقیقی که با محقق به تبعید
رفت!

آرمان: در گفتگو با تاریخ شناس، منتقد و ادیب ارجمند دکتر علی میرفطروس باخبر شدیم که سرانجام پس از دهه ها موفق به تکمیل پژوهش خود در مورد بابک خرمدین شده است. نسل های کتابخوان ایرانی با کارهای این تاریخ شناس از جمله در مورد حلاج با افق های جدیدی در شناخت تاریخ نیز روش شناسی تحقیق آشنا شده اند. انتشار حاصل کار این محقق در مورد بابک خرمدین فصل سبز و تازه ای است از تلاش های او. محقق که تحقیقش نیز در قالب دستنویس ها همراه خودش به تبعید رفته، با نگاهی نوستالژیک در مورد کار خود می گوید:

حقیقت این است که این پژوهش مانند من، سرنوشت غریبی یافته است!

میرفطروس در مورد انگیزه های این تحقیق چنین می گوید:

در دوره های خاموشی و فراموشی، هر نسلی بر اساس رویدادهای تازه، نگاهی تازه به تاریخ و قهرمانان میهن خود می افکند. این «نگاه تازه» چه بسا چشم انداز تازه ای باشد که در تحقیقات پژوهشگران گذشته، مستور یا مغفول مانده است، هم از این روست که گفته اند:

«هر تاریخی، تاریخ معاصر است.»

علی میرفطروس کار زندگی و سرنوشت بابک خرمدین را از دغدغه های ذهنی خود می داند، چنان که شعر «حماسه بابک» در سال ۱۳۵۴ بازتابی از آن است. سال ها بعد همکاری در اجرای «باله بابک خرمدین» به همت هنرمند برجسته، نیما کیان (تصویر ابتدای این نوشته) تبلور دیگری از این دغدغه ها بود. میرفطروس در مورد طرح اولیه این پژوهش می گوید:

طرح اولیه این پژوهش در سال ۱۳۵۷ و به دنبال انتشار آخرین شعر صورت گرفته بود، ولی متن اصلی آن در سال ۵۹ و در سایه داس ها و هراس ها قلمی شد؛ گوئی که در نبرد بابکان زمانه با خلیفگان ظالم شخصیت بابک خرم‌دین روح زمانه ما بود.

متن کامل این پژوهش - در سه دفتر - تنها چیزی بود که بهنگام ترک ایران و در فراز و فرودهای سفری دشوار با خود آورده بودم. این دفتر های سه گانه مروری بود بر کشاکش ها و کشمکش های ایرانیان پس از حمله تازیان (از جمله جنبش به آفرید، سُنباد، ابو مُسلم خراسانی، استاذسیس، مقنن، شعوبیه و... نبرد های ۲۲ ساله بابک خرم‌دین). پس از گذشت ۴۰ سال و با توجه به مقالات ارزشمندی که منتشر شده، نگارنده ضمن حذف موضوعات مذکور، تنها به بررسی عقاید و آئین های میترائی (مهری) در جنبش بابک خرم‌دین بسنده کرده است، از جمله:

- ستایش شادی و خرمی،

- اهمیت رنگ سرخ = سرخ جامگان،

- تقدس شراب،

- نواختن تنبور (حتی در میانه جنگ ها)،

- جایگاه زنان در باور خرم‌دینان

- تناسخ

فصلی از پژوهش حاضر حدود ۳۲ سال پیش در مجله معتبر ایران نامه (چاپ آمریکا، زمستان ۱۳۶۹) منتشر شده است. مراسم سالانه بزرگداشت خاطره بابک خرم‌دین (روزهای ۱۰ - ۱۲ تیرماه در قلعه بابک) فرصتی است برای نگاهی دیگر به زندگی و سرنوشت این چهره شگفت تاریخ ایران.

علی میرفطروس توضیح می دهد که: جنبش بابک خرم‌دین از آغاز پیدایش (۲۰۱ / ۸۱۶) مورد توجه عموم مورخان و عقیده شناسان اسلامی بوده است، هر چند که تهمت ها و دشنام های رایج شناخت آنرا بسیار دشوار و گاه غیر ممکن می کند. به جرأت می توان گفت که منابع تاریخی در باره باورهای کمتر جنبشی این همه به اختصار و ابهام و اتهام سخن گفته اند. گوئی که برای «ابطال» یا «براندازی نظری» جنبشی که به مدت ۲۲ سال امپراتوری عظیم عباسیان را تهدید می کرد، همه همصدا هستند. با اینحال، از خلال این دشنام ها می توان خطوط اصلی عقاید خرم‌دینان را شناخت؛ عقایدی که در نظر مؤلفان اسلامی «اباحه»، «کفر» و «الحاد» بشمار می رفت.

با رونق شرقشناسی در اروپا پژوهشگران غربی نیز به خرم‌دینان و جنبش بابک خرم‌دین عنایت کرده و در شناخت آن کوشیده اند. تحقیقات پژوهشگران ایرانی نیز به غنای این مطالعات افزوده اند. به پاس این تلاش ها و نیز با این اعتقاد که ارزیابی منابع در پژوهش های تاریخی کاری است اساسی، نگارنده در آغاز پژوهش خود، کتابشناسی

تقریباً مفصلی در باره خُرمدینان و بابک خُرمدین ارائه کرده است. در این باره -البته- فضل تقدّم و تقدّم فضل با استاد سعید نفیسی^۱ و استاد غلامحسین صدیقی است^۲ هر چند که نگارنده با پاره‌ای از نظرات و نتیجه گیری های شان موافق نیست. مثلاً: استاد غلامحسین صدیقی در کتاب درخشان خود جنبش بابک خُرمدین را نیز «جنبش دینی» نامیده است. به نظر می‌رسد این نامگذاری چندان دقیق نیست و ماهیت غیر دینی خُرمدینان را مخدوش می‌کند، چرا که واژه دین در کلماتی مانند «به دین» و «خُرّم دین» فاقد معنای رایج در مذهب و شریعت است. واژه دین در اوستا به صورت «دِئنا» و به معنای کیش، آئین و شناخت آمده است. از این گذشته، نشان داده ایم که در سراسر قرون وسطی عموم مبارزات سیاسی و اجتماعی شکل دینی داشته و در نقابی از عرفان یا مذهب تجلی می‌کرد. این امر به آسانی از مجموعه محدودیت‌های تاریخی آن عصر قابل درک است و محتوای اجتماعی یا عُرفی این جنبش‌ها را تحت شعاع قرار نمی‌دهد. از این رو، نگارنده معتقد است که جنبش بابک خُرمدین را نخست باید جنبشی اجتماعی و سیاسی نامید. به عبارت دیگر، بابک ابتدا یک مبارز اجتماعی بود نه مجاهد مذهبی، همچنان که مزدک نیز «بیشتر مردِ کار و اصلاح طلبی راستین بوده تا آموزگار مذهبی»^۳.

دکتر علی میرفطروس این پژوهش را چنین تقدیم کرده است:

این پژوهش را به بابکانِ زمانه ما؛ بهترین فرزندان آفتاب و... نیز به خاطره دوست مهربانم منوچهر فرهنگی تقدیم می‌کنم. باشد که «بر این نامه بر سال‌ها بگذرد».

این پژوهش در تیرماه سال جاری در تارنماهای گویا و دیگر رسانه‌ها منتشر خواهد شد و آرمان فرازهایی از آن را بازتاب خواهد داد.

به ثمر رسیدن این پژوهش مهم را به علاقه مندان تاریخ ایران تبریک می‌گوییم.

^۱ - مجله مهر، سال اول، شماره‌های ۹ و ۱۰ و ۱۲، تهران، ۱۳۱۲؛ سال دوم، شماره‌های ۱ و ۳، تهران، ۱۳۱۳ ش؛ بابک خُرمدین، دلاور آذربایجان، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۳؛ چاپ دوم ۱۳۴۲.

^[2] Sadighi, G. H. Les Mouvements Religieux Iraniens au IIe et au IIIe Siècle de L'Hègire. Paris: Les Presses Modernes, 1938, PP229-280

جنبش های دینی ایرانی در قرن های دوم و سوم هجری، انتشارات پاژنگ، تهران، ۱۳۷۲، صص ۲۷۴-۳۲۶

۳- فرقه های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم بیرّی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۴



هادی بهار

با اثری تازه از راه می رسد:

هم سرتگ هم قلم

پزشکان شاعر، نویسنده و

سیاستمدار

به زودی اثر جدید دکتر هادی بهار منتشر خواهد شد و در آمازون در دسترس خواهد بود: هم سرتگ هم قلم -
پزشکان شاعر، نویسنده و سیاستمدار.

از هادی بهار چهره علمی و فرهنگی برجسته منطقه مرینند و واشینگتن دی سی، انتشار چندین اثر در زمینه ادبیات معاصر را در چند سال اخیر شاهد بوده ایم. دکتر بهار افزون بر این که به عنوان پزشک متخصص قلب خدمت های شایانی به مردم منطقه کرده، بنیادگذار جلسات عصرهای تاریخ با شرکت ایرانیان فرهنگی منطقه است. دکتر بهار همواره پیشقدم حمایت از کارهای فرهنگی ایرانیان بوده و افتخار همراهی با شماره های آرمان در ستون ادب جوان را به این فصلنامه داده است.

در کتاب هم سرتگ هم قلم - پزشکان شاعر، نویسنده و سیاستمدار، ۴۵ پزشک ایرانی معرفی شده اند که در قرن چهاردهم شمسی در کنار حرفه پزشکی با علاقه بسیار زیاد به شعر و ادب و نویسندگی و پژوهش و گاه به سیاست و روزنامه نگاری پرداخته اند و از خود آثار برجسته ای بر جای گذاشته اند. فهرست این پزشکان که نویسنده در انتخاب آنها تفاوتی درباره عقاید سیاسی آنها، چه چپگرا یا راستگرا چه ملی گرا یا مذهبی قائل نشده است، با میرزا علی اکبرخان نفیسی (ناظم الاطباء) شروع می شود و به دکتر ماندانا زندیان خاتمه پیدا می کند. دکتر هادی بهار کتاب را با این شعر نظامی آغاز می کند: هر که در او جوهر دانایی است بر همه چیزیش توانایی